

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۳۰

فصل ۴: ۹-۱۸

آیه حفظی برای ۲۲ ماه آگست سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، ۱ قرنیتیان ۲: ۱۴

۱۴ اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا که نزد او
جهالت است و آنها را نمی‌تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح
می‌شود.

آیه حفظی برای ۲۹ ماه آگست سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، عاموس ۳: ۷

۷ زیرا خداوند یهوه کاری نمی‌کند جز اینکه سرّ خویش را به
بندگان خود انبیا مکشوف می‌سازد.

قرانت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۴: ۹-۱۸ را بخوانید.
در جلسات گذشته شروع کردیم به مطالعه کتاب دانیال نبی. برای مرور مطالب لطفاً به آن دروس گذشته
رجوع کنید. و برای صرفه جویی در وقت آیات این قسمت را همانطور که به آنان می‌رسیم، خواهیم خواند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز: اول یک مرور کوتاه از درس قبلی داشته باشیم. در جلسه گذشته هشت آیه اول را
مطالعه کردیم. دیدیم که مخرب ترین روحیه، غرور است. خداوند از انسان مغرور نفرت دارد. انسان مغرور
در حضور خدای کتابمقدس مکروه است. غرور گناهی است جدی که به کرات در کتاب مقدس محکوم شده
است. انسان مغرور نام خدا را بی حرمت می‌سازد. غرور شخص را نابود می‌کند چون آدم مغرور تعلیم
پذیر و توبیخ پذیر نیست. حاضر نیست برای اشتباهات و گناهان خودش مسئولیت بپذیرد. و در ضمن
داوری خدا بر او فرود می‌آید.

انجیل مقدس، یعقوب ۴: ۶، واکنش خدا را نسبت به آدم مغرور خلاصه می‌کند وقتی که می‌فرماید:
خدا با متکبران مخالفت می‌کند. کتاب دانیال نبی فصل چهارم یک تصویر زنده و عالی از این حقیقت را به

ما ارائه می دهد. فصل چهارم کتاب دانیال حاکمیت و ارجحیت مطلق خدای راستین و موضع ناچیز و حقیر ما را در مقابل او به ما نشان می دهد.

آیه ۱۷ تمامی اصل مطلب فصل چهارم را خلاصه می کند، وقتی که می فرماید: **این امر . . . شده و این حکم . . . واقع گردیده است تا زندگان بدانند که حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی می کند.** نبوکدنصر، امپراطور مغرور بابل، این درس را پس از گذشتن از یک تجربه بسیار سخت برای مدت ۷ سال یاد گرفت و خود را در حضور خداوند فروتن نموده، و در آیه ۳۴ می فرماید: **و من چشمان خود را بسوی آسمان برافراشتم و عقل من به من برگشت و حضرت متعال را متبارک خواندم و حی سرمدی را تسبیح و حمد گفتم زیرا که سلطنت او سلطنت جاودانی و ملکوت او تا ابدالابد است.**

در سه آیه اول خواندیم که نبوکد نصر نامه ای می نویسد و برای تمامی اتباع و اقوام تحت حکومتش می فرستد. و هدفش از نوشتن آن نامه این بود که خدای راستین را جلال دهد با در میان گذاشتن اینکه چگونه خدای راستین او را تنبیه نموده، فروتن ساخته تا به خدای راستین ایمان آورده، و رستگار شود. ما در اینجا فروتنی نبوکد نصر را می بینیم که حاضر است آنچه که در زندگیش بدترین تجربه و مایه ننگ اش بوده است را با دیگران در میان بگذارد. تجربه ای که او را بخود آورد. اغلب ما ترجیح می دهیم که در مورد کارهای مثبت و خوب خدا در زندگیمان صحبت کنیم. ولی از تنبیهات خدا کمتر حرف می زنیم. در اینجا ما می توانیم از نبوکدنصر درس فروتنی بیاموزیم.

در آیات ۴ الی ۸ نبوکد نصر خوابی از خدا دریافت می کند. در آیات ۴ و ۵ تاثیر آنرا بر او می بینیم. نبوکد نصر در کاخ خودش در اطمینان داشت زندگی می کرد. فکرش از هر نوع ترس و نگرانی فارغ بود. امپراطوری اش با هیچ گونه مشکل جدی داخلی و یا خارجی روبرو نبود. نبوکدنصر در ناز و نعمت و خرمی داشت زندگی می کرد.

در این هنگام خدا خوابی به نبوکدنصر می دهد که او را به وحشت می اندازد. اطمینان و آرامش اش بهم می خورد. در بسیاری موارد، خدا بایستی آرامش کاذب ما را بهم بهم زند تا بخود آمده، متوجه گناهانمان شده، در توبه و ایمان بسوی او آمده تا رستگاری در مسیح را دریافت کنیم.

نبوکدنصر در وحشت بدنبال کسی می گردد تا خوابش را برایش تعبیر کند. در آیات ۶ و ۷ مشاوران دربارش را فرامی خواند ولی آنان قادر نبودند خواب او را تعبیر کنند. انسانهای بدون روح القدس قادر به

درک مسائل زندگی نیستند و حکمتشان محدود است. دنیائی که تولد دوباره در مسیح را ندارد، **دائماً تعلیم می‌گیرند، لکن هرگز به معرفت راستی نمی‌توانند رسید** (۲ تیموتاوس ۳: ۷).

در آیه ۸ خداوند، دانیال را وارد صحنه می‌سازد، در یک زمان حساس و عالی، زمانی که دیگر مشاوران دربار نبوکدنصر قادر به تعبیر خواب او نبودند. در طول سالها، رفتار و گفتار دانیال به نبوکدنصر نشان داده بود که خدای که دانیال می‌پرستد و خدمت می‌کند، زمین تا آسمان با خدایان مشاوران دربارش فرق دارد. رفتار و گفتار ما، بسیاری مطالب در مورد خدای که می‌پرستیم و خدمت می‌کنیم، به دیگران می‌گوید. نبوکدنصر متوجه شده بود که روح خدای قدوس در دانیال ساکن است. دانیال هم با گفتارش و هم با رفتارش به نبوکدنصر بشارت داده بود. هر دو لازم هستند.

در آیه ۹ نبوکد نصر به برتری دانیال بر دیگر حکیماناش اعتراف می‌کند:

۹ که ای بَلْطَشَصَّرْ، رئیس مجوسیان، چون می‌دانم که روح خدایان قدوس در تو می‌باشد و هیچ سری برای تو مشکل نیست، پس خوابی که دیده‌ام و تعبیرش را به من بگو.

دقت کنید، نبوکدنصر، دانیال را ریس مجوسیان خطاب می‌کند. ترجمه کلمه مجوس یعنی دانشمند. دانیال ریس دانشمندان زمان خود بود. اسم او با حکمت و دانش چنان مترادف گشته بود که ضرب المثل شده بود چنانکه در کتاب حزقیال نبی ۲۸: ۳ می‌توانیم بخوانیم. نبوکد نصر می‌دانست که دانیال هم دارای حکمت و دانش فراوان است، و هم روح خدای قدوس در او ساکن است. پس می‌تواند خواب او را تعبیر کند. پس در آیات ۱۰-۱۷ شروع می‌کند به گفتن خوابش به دانیال:

۱۰ «روپاهای سرم در بسترم این بود که نظر کردم و اینک درختی در وسط زمین که ارتفاعش عظیم بود. ۱۱ این درخت بزرگ و قوی گردید و بلندی‌اش تا به آسمان رسید و منظرش تا اقصای تمامی زمین بود. ۱۲ برگهایش جمیل و میوه‌اش بسیار و آذوقه برای همه در آن بود. حیوانات صحرا در زیر آن سایه گرفتند و مرغان هوا بر شاخه‌هایش مأوا گزیدند و تمامی بشر از آن پرورش یافتند.

بطور خلاصه، نبوکد نصر در خوابش می‌بنید که درخت بزرگی از زمین می‌روید، رشد کرده، غذا و سایبان برای همه فراهم می‌کند. سپس فرمانی الهی صادر می‌شود:

۱۳ در روپاهای سرم در بسترم نظر کردم و اینک پاسبانی و مقدسی از آسمان نازل شد،

پاسبانی و مقدس، در واقع پاسبانی مقدس می باشد. اشاره به فرشته ای مقدس از جانب خدا می کند. "پاسبان" به خدمت حفاظت فرشته، و مقدس، به اینکه یکی از فرشتگان مقدس خداست اشاره می کند. فرشته ای مقدس پیامی از جانب خدا می آورد:

۱۴ که به آواز بلند ندا درداد و چنین گفت: درخت را ببرید و شاخه‌هایش را قطع نمایید و برگ‌هایش را بیفشانید و میوه‌هایش را پراکنده سازید تا حیوانات از زیرش و مرغان از شاخه‌هایش آواره گردند.

۱۵ لیکن کنده ریشه‌هایش را با بند آهن و برنج در زمین در میان سبزه‌های صحرا واگذارید و از شب‌نم آسمان تر شود و نصیب او از علف زمین با حیوانات باشد.

۱۶ دل او از انسانیت تبدیل شود و دل حیوان را به او بدهند و هفت زمان بر او بگذرد.

دقت کنید، اینکه به این درخت با ضمیر "او" اشاره می شود نشانه ای است از اینکه آن درخت به یک انسان اشاره می کند. انسانی که قرار است عقل انسانی خود را از دست داده، و مانند یک حیوان خواهد شد. و این امری است که خدا انجام خواهد داد. و در آیه ۱۷ فرشته خدا معنی این وقایه را توضیح می دهد:

۱۷ این امر از فرمان پاسبانان شده و این حکم از کلام مقدسین گردیده است تا زندگان بدانند که حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی می‌کند و آن را به هر که می‌خواهد می‌دهد و پست‌ترین مردمان را بر آن نصب می‌نماید.

فرمان پاسبانان، به فرمانی که به پاسبانان مقدس از جانب خدا داده شده است اشاره می کند. این عبارت اشاره به فرشتگان مقدس خدا می کند. در این رویداد بیش از یک فرشته خدا نقش داشتند. در آیه ۱۸ نبوکدنصر در خواستش را به دانیال می گوید:

۱۸ این خواب را من که نبوکدنصر پادشاه هستم دیدم و تو ای بلطشصر تعبیرش را بیان کن زیرا که تمامی حکیمان مملکت نتوانستند مرا از تعبیرش اطلاع دهند، اما تو می‌توانی چونکه روح خدایان قدوس در تو می‌باشد.»

درک نبوکد نصر در مورد خدای دانیال هنوز محدود بود. برای همین است که می گوید **روح خدایان قدوس در تو می‌باشد.** هنوز در این مقطع ایمان نیاورده و از دیدگاه اعتقادش به خدایان سخن می گوید. ولی متوجه شده که خدای دانیال قدوس است. از کجا دانسته بود؟ از طرز زندگی دانیال. رفتار ما بر دیگران چه چیزی در مورد خداوندان عیسی مسیح می گوید؟